

یک دهه عملکرد اقتصاد ایران در آینه شاخص‌های کلان اقتصادی



حمید زمان‌زاده *

۱. مقدمه

ارزی ناشی از صادرات نفت خام در صادرات قابل توجه است. این امر موجب شده است که اقتصاد ایران به تحولات بازار جهانی نفت، که انعکاسی از تحولات اقتصاد جهانی است، حساسیت بالایی نشان دهد. نکته قابل توجه این است که واکنش رشد اقتصادی ایران نسبت به شوک‌های نفتی، نامتقارن است. در واقع افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش اندکی در رشد اقتصادی کشور می‌شود. اما در نقطه مقابل، کاهش درآمدهای نفتی، به صورت یک شوک منفی، رشد اقتصادی را به شدت کاهش داده و ظرفیت‌های اقتصاد ایران را تحلیل می‌دهد.

درآمدهای نفتی ایران از سال ۱۳۸۱ تا نیمه اول سال ۱۳۸۷، روند صعودی و نسبتاً باثباتی داشته است؛ به نحوی که از حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال منتهی به فصل اول ۱۳۸۱، به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال منتهی به فصل دوم سال ۱۳۸۷ رسید (نمودار ۱). اما پس از آن و با وقوع بحران مالی جهانی و پیامدهای رکودی آن، قیمت نفت در بازارهای جهانی با کاهش شدیدی مواجه گردید و در نتیجه درآمد کشورهای صادرکننده نفت، از جمله ایران، با کاهش قابل ملاحظه‌ای مواجه شد. با بروز بحران مالی در اقتصاد جهانی که از فصل سوم سال ۱۳۸۷ آغاز شد، درآمدهای نفتی ایران روند نزولی به خود گرفت و از بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به کمتر از ۶۰ میلیارد دلار در سال منتهی به فصل دوم ۱۳۸۸ رسید. سپس با توجه به افزایش قیمت نفت و ثبات بازار نفت، درآمدهای نفتی دوباره روند افزایشی به خود گرفته است.

با توجه به اهمیت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، مدیریت مطلوب این درآمدها نقش ویژه‌ای در بهبود عملکرد و تثبیت اقتصاد کشور دارد. درآمدهای نفتی از مسیر سیاست‌های مالی و پولی اثرات

جهت بررسی عملکرد اقتصاد ایران در دهه ۸۰، دو مجموعه شاخص باید مورد بررسی قرار گیرند. اول، شاخص‌های مؤثر بر عملکرد اقتصاد ایران که از جمله آنها می‌توان به درآمدهای نفتی به‌عنوان شاخصی از شوک‌های اقتصاد جهانی بر اقتصاد، مخارج دولت به‌عنوان شاخصی از سیاست‌های مالی، نرخ رشد نقدینگی به‌عنوان شاخصی از سیاست‌های پولی و همچنین نرخ ارز به‌عنوان شاخصی از سیاست‌های تجاری اشاره نمود. تغییر و تحولات این شاخص‌ها از مسیرهای متفاوت بر عملکرد اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارند، بنابراین تحلیل و بررسی آنها می‌تواند درک بهتری از تغییر و تحولات اقتصاد کشور ارائه دهد. دوم، شاخص‌های عملکردی اقتصاد ایران که از جمله آنها می‌توان به نرخ تورم، نرخ بیکاری، میزان اشتغال، رشد اقتصادی و شاخص قیمت بورس اشاره نمود. این شاخص‌ها از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که عملکرد اقتصاد کلان را تبیین می‌کند، بنابراین بررسی عملکرد اقتصاد ایران نیازمند بررسی این شاخص‌هاست. برای این منظور در این مقاله سیر تحول این شاخص‌ها از ابتدای دهه ۸۰ مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. بررسی شاخص‌های مؤثر بر عملکرد اقتصاد ایران در دهه ۸۰

۲-۱. درآمدهای نفتی به‌عنوان شاخصی از شوک‌های اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران

نفت و درآمدهای نفتی در طول دهه‌های گذشته جایگاه بسیار مهمی را در اقتصاد و سیاست ایران به خود اختصاص داده‌اند. سهم درآمدهای

* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی.

تلاش هرچه بیشتر در راستای افزایش کارایی صندوق نفتی، می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش اثر نوسانات بازار نفت بر اقتصاد کشور و تثبیت اقتصاد ایران ایفا نماید

مخارج آن، به بی‌ثباتی تقاضای کل اقتصاد و به تبع آن رشد اقتصادی می‌انجامد. علاوه بر این، بودجه دولت به درآمدهای نفتی وابسته است و بخش مهمی از مخارج دولت نه از طریق مالیات، بلکه از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌گردد.

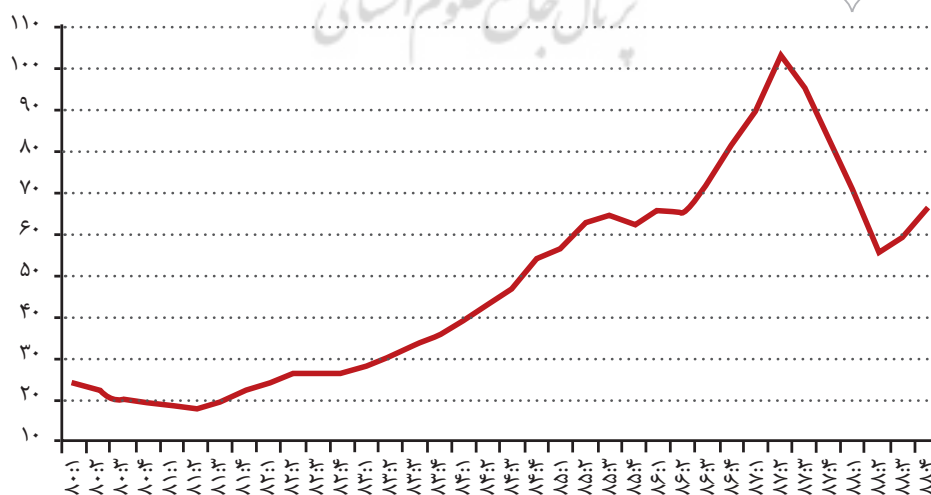
مخارج دولت از سال ۱۳۸۰ تا انتهای سال ۱۳۸۴، به جز یک افزایش قابل توجه در سال ۱۳۸۱، روند صعودی نسبتاً باثباتی را طی کرده است (نمودار ۲). اما از فصل آخر سال ۱۳۸۵، یک روند سیکلی داشته و بی‌ثباتی قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. دولت ایران از انتهای سال ۱۳۸۴ با توجه به وضعیت مناسب درآمدهای نفتی و حساب ذخیره ارزی، با اتخاذ سیاست مالی انبساطی مخارج واقعی را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. این افزایش مخارج، افزایش مخارج مصرفی و مخارج عمرانی دولت را شامل می‌شود. به دنبال آن و با توجه به تحولات اقتصاد ایران، به خصوص افزایش تورم، سیاست مالی انقباضی در دستور کار دولت قرار گرفت و مخارج واقعی دولت از انتهای سال ۱۳۸۵ تا اواسط سال ۱۳۸۷ روند نزولی به خود گرفت. از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ با توجه به روند نزولی رشد اقتصادی و کاهش

خود را بر متغیرهای کلان اقتصاد مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ بیکاری بر جای می‌گذارد. همچنین، سیاست مالی دولت در مدیریت و تخصیص درآمدهای نفتی، بر سیاست پولی و ارزی بانک مرکزی تسلط دارد. در راستای تثبیت سیاست مالی و جریان درآمدهای نفتی که وارد چرخه اقتصاد ایران می‌گردد، حساب ذخیره ارزی نقش و اهمیت ویژه‌ای دارد. با وجود عملکرد نه چندان مناسب حساب ذخیره ارزی در سال‌های گذشته، در دوره بحران مالی و کاهش شدید درآمدهای نفتی، برداشت دولت از حساب ذخیره ارزی نقش مهمی در تثبیت بودجه دولت و جریان درآمدهای نفتی، که وارد چرخه اقتصاد ایران می‌شود، ایفا نمود. بنابراین تلاش هرچه بیشتر در راستای افزایش کارایی صندوق نفتی می‌تواند در کاهش اثر نوسانات بازار نفت بر اقتصاد کشور و تثبیت اقتصاد ایران تأثیرگذار باشد. همچنین در راستای سیاست مالی دولت، سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی نیز می‌تواند از مسیر مدیریت صحیح ذخایر ارزی بانک مرکزی، نقش قابل توجهی در توازن و تثبیت بازارهای پول و ارز کشور ایفا نماید.

۲-۲. مخارج دولت به‌عنوان شاخصی از سیاست مالی

سطح مخارج دولت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاست مالی دولت، از عوامل مؤثر در تعیین عملکرد اقتصاد ایران است. مخارج دولت در ترکیب تقاضای کل اقتصاد سهم قابل توجهی دارد. با توجه به این مسأله می‌توان گفت که در نهایت بی‌ثباتی بودجه دولت و

نمودار ۱- درآمدهای نفتی ایران در سال منتهی به هر فصل (میلیارد دلار)



منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

در مدیریت و تخصیص درآمدهای نفتی، سیاست مالی دولت بر سیاست پولی و ارزی بانک مرکزی تسلط دارد

پولی و در نتیجه رشد حجم پول و نقدینگی دارند.

بر اساس مبانی نظری، اگرچه تغییرات رشد حجم پول و نقدینگی می‌تواند در کوتاه‌مدت آثار قابل توجهی بر متغیرهای واقعی اقتصادی مانند تولید و اشتغال داشته باشد، اما در میان‌مدت و بلندمدت، تغییرات رشد حجم پول و نقدینگی عمدتاً بر تورم تأثیر خواهد گذاشت و اثر آن بر تولید و اشتغال ناچیز خواهد بود.

از سال ۱۳۸۰ تا نیمه دوم سال ۱۳۸۴، رشد نقدینگی در محدوده ۳۰ درصد حفظ شد (نمودار ۳). نرخ رشد ۳۰ درصدی حجم نقدینگی در این دوره، در عین بالا بودن نرخ رشد، نسبتاً باثبات و هموار بود. اما از نیمه دوم سال ۱۳۸۴، همراه با سیاست مالی انبساطی، سیاست پولی انبساطی نیز در دستورکار دولت و بانک مرکزی قرار گرفت و نرخ رشد نقدینگی روندی صعودی داشت؛ به نحوی که در ابتدای سال ۱۳۸۶ نرخ رشد نقدینگی به بالاترین میزان خود یعنی ۴۰ درصد رسید. پس از آن، با توجه به تحولات اقتصاد ایران به خصوص روند رو به افزایش نرخ تورم، همراه با سیاست مالی انقباضی دولت، سیاست پولی انقباضی شدیدی در دستورکار قرار گرفت و نرخ رشد نقدینگی با روند نزولی از ۴۰ درصد به حدود ۱۲ درصد در سال منتهی به فصل سوم

شدید درآمدهای نفتی، دولت با اتکا به حساب ذخیره ارزی اقدام به افزایش مخارج خود نمود و پس از آن در سال ۱۳۸۸ روند مخارج دولت دوباره نزولی شد. این تغییرات در سیاست مالی و روند بی‌ثبات مخارج دولت، یکی از عوامل مؤثر در بی‌ثباتی اقتصاد ایران در چند سال گذشته بوده است. بر این اساس و با توجه به اهمیت سیاست مالی در تثبیت اقتصادی، دو اصل اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: اول اینکه مخارج دولت باید روند هموار و باثباتی در زمان داشته باشد تا دولت زمینه ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد کشور را فراهم نکند. دوم اینکه رشد مخارج دولت در زمان باید محدود گردد؛ به نحوی که حداقل سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بیش از این افزایش نیابد، زیرا افزایش بیش از حد مخارج دولت می‌تواند موجب کاهش سهم بخش خصوصی و افزایش ناکارایی اقتصاد کشور گردد.

۳-۲. رشد حجم نقدینگی

رشد حجم نقدینگی از مهم‌ترین شاخص‌های سیاست پولی است، هر چند تغییرات رشد حجم پول و نقدینگی در اقتصاد ایران، بیش و پیش از آنکه نتیجه عملکرد مستقل بانک مرکزی باشد، تحت تسلط سیاست مالی دولت قرار دارد و بانک مرکزی تنها نقشی ثانوی در مدیریت حجم نقدینگی در اقتصاد ایران دارد. در واقع، در دوران رونق درآمدهای نفتی، افزایش خالص دارایی‌های خارجی و در دوران رکود درآمدهای نفتی، افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی که هر دو نتیجه عملکرد مالی دولت می‌باشد نقش قابل توجهی در تغییرات پایه

نمودار ۲- مخارج واقعی دولت در سال منتهی به هر فصل (هزار میلیارد ریال) (۱۳۸۳=سال پایه)



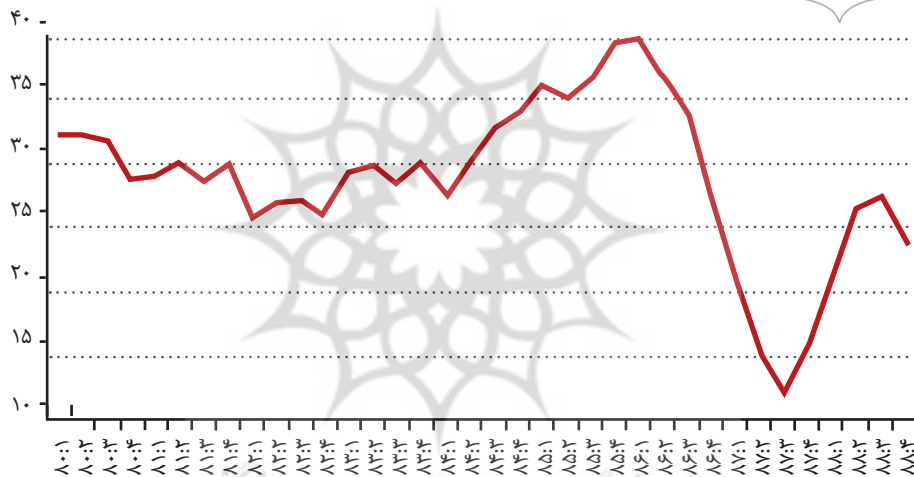
منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

خارج موجب شد تا نرخ ارز مؤثر واقعی با کاهش مداوم از ۱۰۰ در سال ۱۳۸۰ به حدود ۵۰ در نیمه اول سال ۱۳۸۹ برسد. کاهش ۵۰ درصدی نرخ واقعی ارز به معنای ارزان شدن قیمت کالاهای خارجی در مقابل کالاهای داخلی است و موجب تضعیف قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخل در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و خارجی شده است. تزریق بخش اعظم درآمدهای نفتی و برداشتهای هنگفت از ذخایر ارزی در بعضی دوره‌ها موجب شده است تا دولت و بانک مرکزی از افزایش نرخ ارز همراه با سطح عمومی قیمت‌ها جلوگیری نموده و زمینه کاهش نرخ واقعی ارز را فراهم نمایند. به نظر می‌رسد کاهش تزریق درآمدهای نفتی به بازار ارز و انباشت ذخایر ارزی و به تبع آن

۱۳۸۷ رسید. از طرف دیگر، با توجه به کاهش شدید رشد اقتصادی و بروز بحران مالی جهانی، همراه با افزایش مخارج دولت، نرخ رشد نقدینگی نیز دوباره افزایش یافت و به محدوده ۲۵ درصد در انتهای سال ۱۳۸۸ رسید.

تغییرات گسترده در رشد نقدینگی، در کنار تغییرات مخارج دولت و تحولات اقتصاد جهانی، از عوامل اصلی مؤثر بر عملکرد اقتصاد ایران بوده است. نکته مهم این است که سیاست پولی عمدتاً به‌عنوان مکمل سیاست مالی عمل نموده و روند تغییرات رشد نقدینگی تا حدودی با روند مخارج دولت همراه بوده است، که این امر بیانگر نقش مسلط سیاست مالی بر سیاست پولی در اقتصاد ایران است. در نهایت

نمودار ۳- نرخ رشد حجم نقدینگی در سال منتهی به هر فصل (درصد)



منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

افزایش نرخ اسمی ارز در راستای تثبیت نرخ واقعی ارز می‌تواند نقش مؤثری در تقویت تولید ملی و افزایش اشتغال ایفا نماید.

۳. بررسی شاخص‌های عملکردی

۳-۱. نرخ تورم

نرخ تورم یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد اقتصاد کلان است که برای دولتمردان و مردم اهمیت بسزایی دارد. علاوه بر نرخ تورم،

روند بی‌ثبات مخارج دولت، یکی از عوامل مؤثر در بی‌ثباتی اقتصاد ایران در چند سال گذشته بوده است

با توجه به اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تغییر رشد نقدینگی بر عملکرد اقتصادی، به نظر می‌رسد تثبیت و محدود نمودن رشد نقدینگی می‌تواند نقش مؤثری در کنترل تورم و نیز تثبیت اقتصادی ایفا نماید.

۳-۲. نرخ ارز به‌عنوان شاخصی از سیاست تجاری

نرخ ارز مؤثر^۱ اسمی در اقتصاد ایران با یک روند صعودی هموار و باثبات در دهه اخیر مواجه بوده است؛ به‌نحوی که با افزایش ۳۰ درصدی، از ۱۰۰ در سال ۱۳۸۰ به ۱۳۰ در فصل اول سال ۱۳۸۹ رسید (نمودار ۴). در این دوره سطح عمومی قیمت‌ها با توجه به تورم نسبتاً بالا در ایران ۳/۴۴ برابر شده است، در حالی که سطح عمومی قیمت‌ها به‌طور میانگین در کشورهای خارجی شریک تجاری ایران تنها ۱/۳۱ برابر شده است. افزایش سریع سطح عمومی قیمت‌ها در داخل نسبت به

تثبیت و محدود نمودن رشد نقدینگی می‌تواند نقش مؤثری در کنترل تورم و نیز تثبیت اقتصادی ایفا نماید

نوسانات آن نیز اهمیت دارند، زیرا افزایش نوسانات نرخ تورم موجب کاهش قدرت پیش‌بینی نرخ تورم آینده توسط فعالان اقتصادی و افزایش نااطمینانی نسبت به آینده می‌گردد. افزایش تورم و افزایش نوسانات آن از مسیر مختل نمودن خاصیت علامت‌دهی قیمت‌های نسبی در اقتصاد، موجب ایجاد اثرات منفی بر تولید و اشتغال می‌گردند. به علاوه، افزایش نرخ تورم موجب تغییر توزیع درآمد و ثروت به نفع اقشار پردرآمد و به زیان اقشار کم‌درآمد می‌گردد. بنابراین افزایش نرخ تورم به لحاظ رشد اقتصادی و نیز توزیع درآمد به زیان رفاه اجتماعی است.

نرخ تورم از ابتدای سال ۱۳۸۱ تا انتهای سال ۱۳۸۳، به مدت سه سال روند نسبتاً باثبات و همواری را در محدوده ۱۴ تا ۱۷ درصد داشت (نمودار ۵). پس از آن، در سال ۱۳۸۴، با یک روند نزولی به کمتر از ۱۰ درصد رسید و سپس از ابتدای سال ۱۳۸۵ در یک روند صعودی به حدود ۳۰ درصد در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ رسید. سپس نرخ تورم با یک روند نزولی به سرعت کاهش یافت و به ۷/۵ درصد در فصل سوم ۱۳۸۸ رسید و با افزایش اندکی در محدوده ۸ تا ۱۰ درصد در نوسان قرار گرفت.

بررسی نرخ تورم نشان می‌دهد که عامل مسلط در تغییرات نرخ

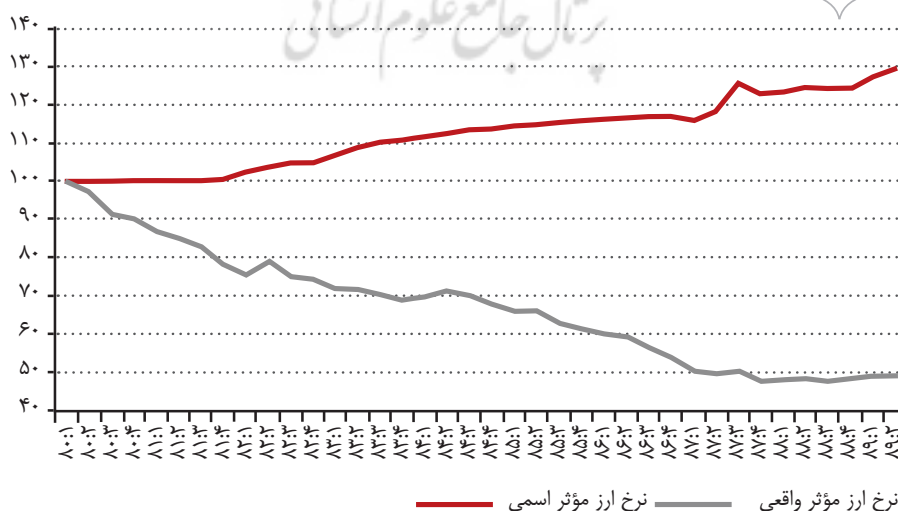
تورم، تغییرات نرخ رشد حجم پول و نقدینگی بوده است. تغییر نرخ رشد حجم نقدینگی با یک وقفه در حدود ۴ تا ۵ فصل اثر قوی خود را بر نرخ تورم آشکار می‌سازد. برای مثال نرخ تورم پنج فصل بعد از آنکه نرخ رشد حجم نقدینگی به اوج خود در فصل اول سال ۱۳۸۶ (حدود ۴۰ درصد) رسید، به بیشترین میزان خود یعنی حدود ۳۰ درصد در فصل دوم ۱۳۸۷ رسیده است. به همین ترتیب نرخ تورم چهار فصل بعد از آنکه نرخ رشد حجم نقدینگی به کمترین میزان خود در فصل سوم ۸۷ (حدود ۱۲ درصد) رسید، به کمترین حد خود یعنی حدود ۷/۵ درصد در فصل سوم ۱۳۸۸ رسیده است.

بر این اساس، محدود نمودن رشد حجم پول و تثبیت آن مهم‌ترین مسأله در کنترل تورم است. با توجه به تسلط سیاست‌های مالی دولت بر سیاست پولی بانک مرکزی، کنترل رشد حجم پول نیاز به همراهی سیاست مالی در کنترل مخارج دولت دارد. تنها در این صورت می‌توان نرخ تورم را در محدوده ۱۰ درصد حفظ و از افزایش مجدد آن جلوگیری کرد.

۲-۳. نرخ بیکاری

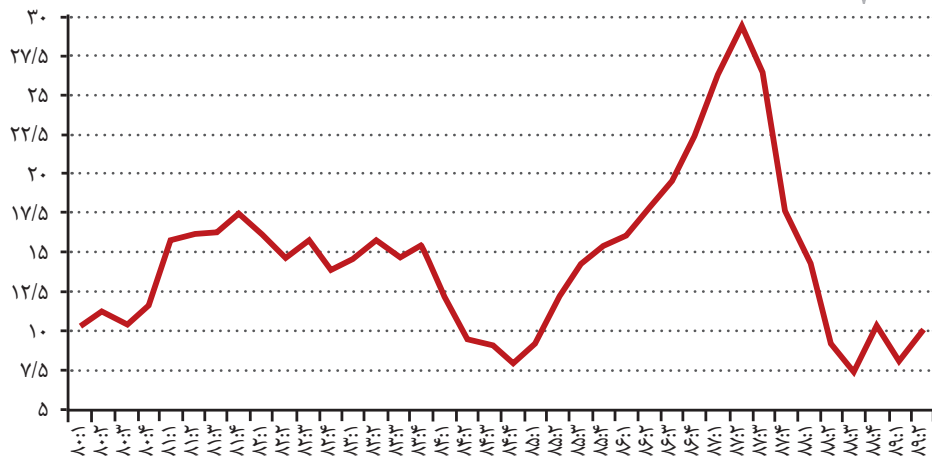
نرخ بیکاری در کنار نرخ‌های تورم و رشد اقتصادی، از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد اقتصاد کلان است. بر اساس آمار رسمی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری از ابتدای سال ۱۳۸۱ در یک روند نزولی از محدوده ۱۴ درصد به حدود ۱۰ درصد در انتهای سال ۱۳۸۳ رسید

نمودار ۴- نرخ ارز مؤثر اسمی و واقعی (۱۳۸۰=۱۰۰)



منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و صندوق بین‌المللی پول.

نمودار ۵ - نرخ تورم در سال منتهی به هر فصل (درصد)



منبع: نرخ تورم بر اساس شاخص قیمت گزارش شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه شده است که عبارت است از تغییرات نسبی شاخص قیمت در هر فصل، نسبت به فصل مشابه سال قبل

بازار کار ایران را به صورت بهتری انعکاس می‌دهد. سطح اشتغال و میزان ایجاد اشتغال بر اساس آمار نرخ بیکاری و میزان جمعیت فعال محاسبه و در نمودار ۷ ارائه شده است. میزان اشتغال از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا ابتدای سال ۱۳۸۷ روند صعودی داشته و از ۱۶/۴ میلیون شغل به بیش از ۲۱/۱ میلیون شغل رسیده است. در این دوره بهترین عملکرد ایجاد اشتغال مربوط به سال منتهی به فصل چهارم ۱۳۸۵ با ایجاد یک میلیون و شصت هزار شغل و بدترین عملکرد مربوط به سال منتهی به فصل چهارم ۱۳۸۶ با ایجاد ۲۴۰ هزار شغل بوده است. پس از آن از نیمه سال ۱۳۸۷ سطح اشتغال با روند نزولی مواجه شد؛ به نحوی که با از دست رفتن ۵۷۰ هزار شغل در سال منتهی به فصل اول ۱۳۸۸، میزان اشتغال به ۲۰/۶ میلیون شغل کاهش یافت و سال بحرانی اشتغال را رقم زد. سپس تا انتهای سال ۱۳۸۸، میزان اشتغال دوباره افزایش یافت، اما در ابتدای سال ۱۳۸۹ با کاهش مجدد مواجه گردید.

در شرایطی که تغییرات جمعیت فعال در زمان بی‌ثبات بوده و با نوسانات بالا همراه باشد، کارایی نرخ بیکاری رسمی جهت انعکاس تحولات اشتغال و بازار کار کاهش می‌یابد. جالب‌ترین نمونه این عدم کارایی در سال ۱۳۸۷ مشاهده می‌شود که در سال منتهی به فصل آخر ۱۳۸۷ میزان نرخ بیکاری رسمی از پایین‌ترین نرخ‌های بیکاری ۱۰/۵ درصد در دهه اخیر می‌باشد. اما در همین دوره نه تنها میزان اشتغال نسبت به دوره گذشته افزایش نیافته است، بلکه حدود ۵۷۰ هزار شغل از دست رفته است. در واقع این نرخ بیکاری پایین، نه به دلیل افزایش

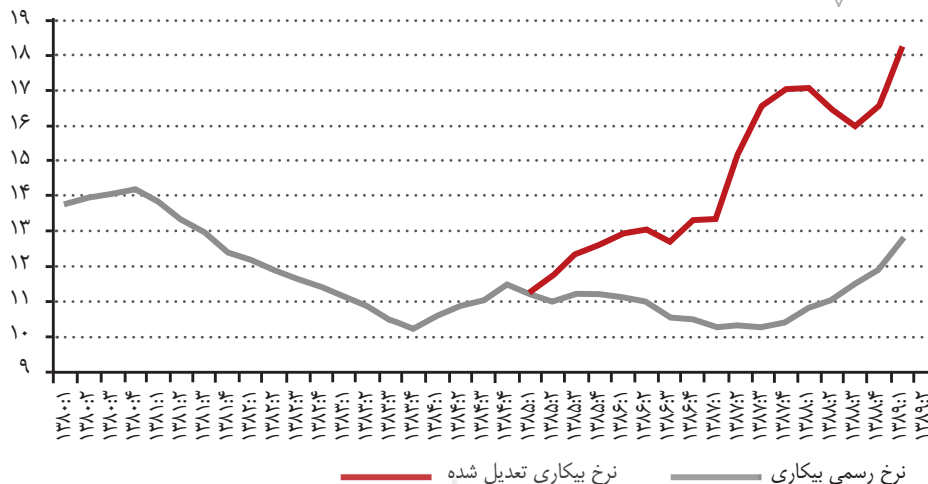
(نمودار ۶). در سال ۱۳۸۴ نرخ بیکاری در یک روند افزایشی ملایم به ۱۲ درصد نزدیک شد و بعد از آن از ابتدای سال ۱۳۸۵ روند نزولی ملایمی به خود گرفت و تا انتهای سال ۱۳۸۷ به حدود ۱۰ درصد رسید. پس از آن نرخ بیکاری دوباره در یک روند صعودی به ۱۳ درصد در ابتدای سال ۱۳۸۹ رسید.

بنابراین بر اساس آمار رسمی، نرخ بیکاری از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸، سطوح نسبتاً پایینی را در محدوده ۱۰ تا ۱۲ درصد داشته است. آیا نرخ پایین بیکاری در سال‌های گذشته نویدبخش این است که بازار کار کشور از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار بوده است؟ بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، عامل اصلی کاهش نرخ بیکاری، نه افزایش اشتغال که کاهش قابل توجه نرخ مشارکت و به تبع آن کاهش جمعیت فعال بوده است.

بر این اساس، برای انعکاس دقیق‌تر وضعیت بازار کار، اثر تغییرات نرخ مشارکت را بر نرخ بیکاری حذف نموده و آمار نرخ بیکاری تعدیل‌شده با فرض ثبات نرخ مشارکت، محاسبه و ارائه شده است. نرخ بیکاری تعدیل‌شده روند کاملاً متفاوتی از نرخ بیکاری رسمی داشته و نشان می‌دهد که نرخ بیکاری از ابتدای سال ۱۳۸۴ در یک روند صعودی از حدود ۱۰ درصد به حدود ۱۷ درصد در انتهای سال ۱۳۸۷ رسیده و سپس با کاهش اندکی در سال ۱۳۸۸، دوباره با افزایش مواجه شده و به بیش از ۱۸ درصد در ابتدای سال ۱۳۸۹ رسیده است.

بررسی آمار سطح اشتغال و میزان ایجاد اشتغال نیز نشان می‌دهد که نرخ بیکاری تعدیل‌شده نسبت به نرخ بیکاری رسمی واقعیت‌های

نمودار ۶- نرخ بیکاری رسمی و تعدیل شده در سال منتهی به هر فصل (درصد)



منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری ارائه شده، بیانگر میانگین نرخ بیکاری در سال منتهی به هر فصل می‌باشد.

نرخ بیکاری تعدیل شده از سال ۸۵ به بعد بر اساس میزان نرخ مشارکت در سال ۱۳۸۴ محاسبه شده است. در سال ۱۳۸۴ نرخ مشارکت به ترتیب فصول ۴۱/۴، ۴۲/۶، ۴۰/۶، ۳۹/۶ بوده است. به دلیل اعلام نرخ مشارکت قبل از سال ۱۳۸۴، نرخ بیکاری تعدیل شده از سال ۸۴ محاسبه شده است.

نرخ رشد اقتصادی ایران با کاهش شدیدی مواجه شد؛ به نحوی که در انتهای سال ۱۳۸۷ به حدود ۱ درصد و در انتهای سال ۱۳۸۸ به حدود ۱/۱ درصد رسیده است.

از مهم‌ترین علل کاهش شدید رشد اقتصادی در سال ۱۳۸۷ می‌توان به افزایش قابل توجه نرخ تورم، اعمال سیاست‌های پولی و مالی انقباضی در راستای مهار تورم، کاهش قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و خارجی به دلیل کاهش نرخ واقعی ارز و افزایش واردات و در نهایت بروز بحران مالی و اقتصادی جهانی و اثرات رکودی آن بر اقتصاد ایران اشاره نمود. اقتصاد ایران اگرچه در سال ۱۳۸۸ با بهبود اندکی مواجه بوده است، اما نتوانسته است به نرخ رشد مناسبی برسد. بررسی روند رشد اقتصادی نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی بی‌ثبات، زمینه بی‌ثباتی در نرخ رشد اقتصادی را فراهم نموده است که در سه سال گذشته این فرآیند تشدید شده است.

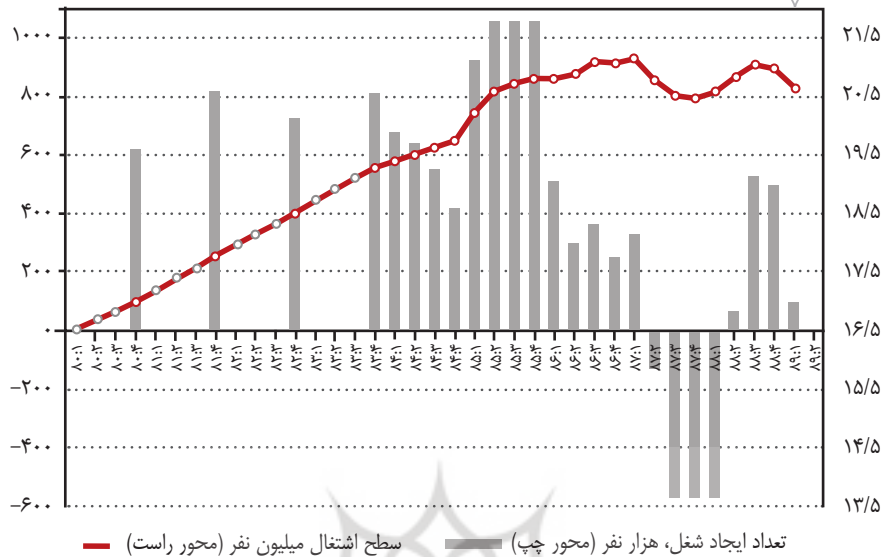
در سال‌های اخیر، عامل اصلی کاهش نرخ بیکاری، نه افزایش اشتغال که کاهش قابل توجه نرخ مشارکت و به تبع آن کاهش جمعیت فعال بوده است

اشتغال بلکه به دلیل کاهش شدید نرخ مشارکت بوده است. اما نرخ بیکاری تعدیل شده با فرض ثبات نرخ مشارکت نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در انتهای سال ۱۳۸۷ با افزایش حدود ۳/۵ درصدی نسبت به دوره مشابه سال قبل به ۱۷ درصد افزایش یافته است، که این نرخ بیکاری به وضوح مطابقت بیشتری با آمار اشتغال دارد.

۳-۳. نرخ رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصاد ایران در سال‌های اخیر نوسانات زیادی داشته است. نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۸۱ در یک روند صعودی با افزایش قابل ملاحظه به ۸ درصد رسید و تا نیمه اول سال ۱۳۸۳ در محدوده ۸ درصد باثبات و هموار بوده است. پس از آن در یک روند نزولی به کمتر از ۵ درصد در نیمه دوم سال ۱۳۸۴ رسید. از نیمه دوم سال ۱۳۸۴ با در پیش گرفتن سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، روند صعودی نرخ رشد اقتصاد دوباره آغاز شد و در فصل سوم ۱۳۸۵ به بالاترین میزان خود (۹ درصد) رسید. پس از آن، نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۸۶ به ۶ تا ۷ درصد کاهش یافت و در نیمه اول سال ۱۳۸۷ با کاهش شدید به کمتر از ۴ درصد رسید. از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ تاکنون بانک مرکزی جمهوری اسلامی آمار تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی را گزارش نداده است. اما بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول،

نمودار ۷- سطح اشتغال و میزان ایجاد اشتغال در سال منتهی به هر فصل



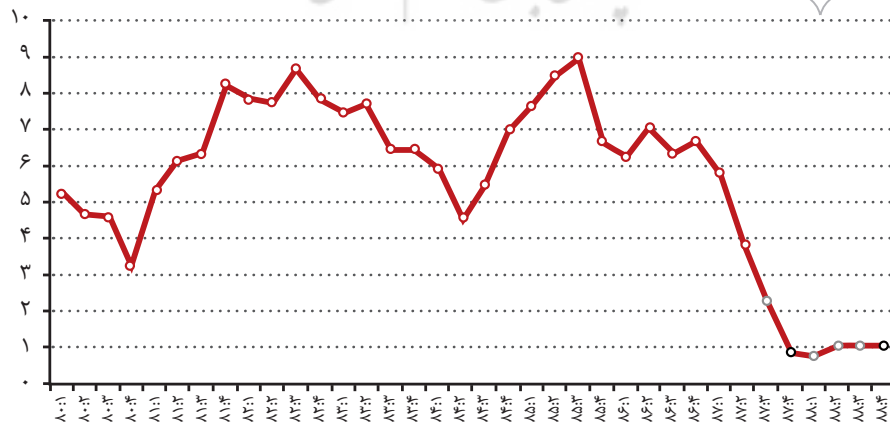
منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران.

۵ هزار واحد، به مرز ۱۴ هزار واحد در اواسط سال ۱۳۸۳ رسید و موجب بروز یک حباب قیمتی در بورس تهران شد. پس از آن با شکست حباب قیمت، روند نزولی بورس تهران آغاز شده و شاخص قیمت تا مرز ۹ هزار واحد در اواسط سال ۱۳۸۵ کاهش یافت. سپس، شاخص بورس، یک دوره ثبات در محدوده ۹ تا ۱۰ هزار تا اوایل سال ۱۳۸۷ داشت. در سال ۱۳۸۷، ابتدا شاخص قیمت بورس با افزایش ناگهانی به مرز ۱۳ هزار رسید و پس از آن با بروز بحران مالی جهانی از اواسط سال با افت شدیدی به مرز ۸ هزار واحد در پایان سال ۱۳۸۷ رسید. از

۳-۴. شاخص قیمت بورس به‌عنوان شاخصی از عملکرد بازار مالی

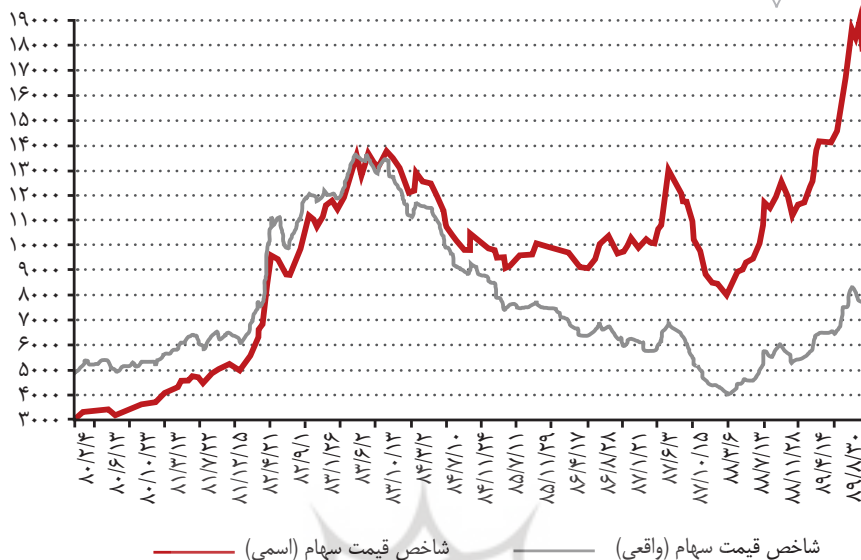
شاخص قیمت بورس تهران نوسانات قابل توجهی را در دهه گذشته داشته است. از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا انتهای ۱۳۸۱، شاخص قیمت بورس تهران روند صعودی نسبتاً همواری داشته است (نمودار ۹). اما از ابتدای سال ۱۳۸۲، شاخص قیمت بورس تهران روند صعودی شتابانی را آغاز نمود و با رشد ۱۸۰ درصدی از حدود

نمودار ۸- نرخ رشد اقتصادی در سال منتهی به هر فصل (درصد)



منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های بانک مرکزی و صندوق بین‌المللی پول. نرخ رشد اقتصادی محاسبه شده برابر است با تغییرات نسبی تولید ناخالص داخلی در سال منتهی به هر فصل نسبت به مدت مشابه سال قبل.

نمودار ۹- شاخص قیمت اسمی و واقعی بورس تهران (۱۳۸۳=سال پایه)



منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های بازار سهام تهران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

واحد دور از انتظار باشد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی عملکرد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بی‌ثباتی شاخص‌های مؤثر بر عملکرد اقتصاد، به بی‌ثباتی شاخص‌های عملکردی اقتصاد ایران می‌انجامد. در دوره اخیر استفاده از حساب ذخیره ارزی تا حدودی اثر بی‌ثباتی درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران را کاسته است. با این حال، بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و مالی به خصوص در سال‌های اخیر موجب بی‌ثباتی عملکرد اقتصاد ایران گردیده است که در تغییر و تحولات نرخ تورم، نرخ بیکاری، سطح اشتغال و نرخ رشد اقتصادی نمود یافته است. بر این اساس، حفظ ثبات پولی و مالی و افزایش کارایی حساب ذخیره ارزی در مدیریت درآمدهای نفتی، می‌تواند در راستای تثبیت اقتصاد ایران نقش مسلط را ایفا نماید. در این راستا، افزایش نرخ اسمی ارز همراه با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها جهت تثبیت نرخ واقعی ارز نیز می‌تواند به افزایش قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای داخلی و خارجی در برابر رقبای خارجی کمک مؤثری نماید و به تبع آن به تقویت تولید و اشتغال در اقتصاد کشور بینجامد.

پی‌نوشت:

۱- در محاسبه نرخ ارز مؤثر، از وزن شرکای عمده تجاری ایران در تجارت خارجی استفاده شده است.

ابتدای سال ۱۳۸۸ نیز این شاخص دوباره روند صعودی پرشتابی را به خود گرفت و از ۸ هزار واحد به فراتر از ۱۸ هزار واحد در اواسط سال ۱۳۸۹ رسید (افزایشی معادل ۱۲۵ درصد).

افزایش نسبتاً پرشتاب شاخص در ۲۰ ماه گذشته و ثبت رکوردهای جدید توسط شاخص قیمت بورس تهران این تصور را میان فعالان بازار به وجود آورد که یک حساب مالی شبیه به حساب مالی سال ۱۳۸۳ در بورس تهران شکل گرفته است و احتمال زیادی وجود دارد که شاخص قیمت با کاهش نسبتاً شدیدی مواجه گردد. اما آیا این امر با واقعیات بورس تهران مطابقت دارد؟ باید توجه نمود که جهت تحلیل دقیق‌تر شاخص بورس باید بر اساس شاخص قیمت واقعی بورس قضاوت نمود. بر این اساس، شاخص قیمت واقعی بورس تهران بر اساس تعدیل شاخص اسمی نسبت به شاخص قیمت مصرف‌کننده، تعدیل و محاسبه شده است. شاخص قیمت واقعی بورس تهران نشان می‌دهد که شاخص واقعی بورس در حال حاضر به مقادیر شاخص پس از شکستن حساب مالی سال ۱۳۸۳ رسیده است. در واقع افزایش شاخص قیمت بورس در ۲۰ ماه گذشته را می‌توان به‌عنوان یک اصلاح قیمتی پس از کاهش مداوم شاخص قیمت واقعی بورس در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ تفسیر نمود. بر این اساس، به نظر می‌رسد احتمال وقوع یک حساب مالی در بورس تهران شبیه حساب مالی سال ۱۳۸۳ در شرایط فعلی بعید بوده و کاهش قابل توجه شاخص اسمی بورس از ۱۸ هزار